

برخی منابع تحقیقی درباره جریانات فکری در ایران

هدف این نوشته

ما در این جا قصد نداریم فهرست جامعی از کل منابع تحقیقی درباره سیر جهان بینی های دینی - فلسفی و جریانات فکری و اجتماعی را در ایران به دست دهیم، زیرا لازمه این کار یک تحقیق بیبلیوگرافیک وسیع و تنظیم فهرستی است که شاید به صورت کتابی ضخیم بر آید. به علاوه این کار به نحوی از انحاء در این یا آن زمینه به وسیله بسیاری از پژوهندگان خارجی و ایرانی انجام گرفته است. بلکه مقصد ما در این جا آن است که تصویری از دامنه وسیع این منابع، نوع آن ها، شیوه استفاده از آن ها برای خواننده این کتاب حاصل آید تا روشن گردد تلاش هایی که تا امروز انجام گرفته است، با همه دامنه و ارزندگی بلاانکار آن، هنوز باید ادامه یابد تا اریئه فلسفی و ایده تولوزیک خلق های ساکن فلات ایران و از آن جمله کشور ما به شکل جامعی بررسی شود.

منابعی را که برای مطالعه سیر تفکر فلسفی در ایران باید مورد مطالعه اجمالی یا دقیق قرار داد می توان به چهار گروه اساسی تقسیم کرد:
گروه اول: آثار فلسفی و ایده تولوزیک خود فلاسفه و اندیشه وران ایران قبل و بعد از اسلام؛

گروه دوم: آنچه که مؤلفین ایرانی و عرب درباره سیر تفکر فلسفی و جریانات فکری در کشور ما در قرون سالفه نوشته اند؛

گروه سوم: کتبی که مؤلفین باختری درباره جریانات فلسفی و فکری در ایران تصنیف و تألیف کرده اند؛

گروه چهارم: آنچه که مؤلفین معاصر ایران و عرب در این باره نگاشته اند.

گروه اول: آثار خود فلاسفه و اندیشه‌وران ایران

طی ده‌ها قرن آن چنان کوهی از آثار ایده‌تولوژیک و فلسفی در سرزمین ما به زبان‌های اوستائی، پهلوی، فارسی و عربی به وجود آمده که بررسی علمی و تجزیه و تحلیل مطالب آن کار نسل‌هاست.

غیر از اوستا، که به زبان اوستائی است، متونی که در دوران اشکانی و ساسانی و تا سه قرن اولیه تسلط مسلمانان در گوشه و کنار ایران به دست مؤبدان زرتشتی از قبیل آذر فرنبغ و دیگران نوشته شده به زبان پهلوی است. ولی پس از اسلام آثار خاص فلسفی و منطقی و یا آثاری که محتوی مباحث فلسفی است ولی صبغه ادبی یا تاریخی به خود گرفته فراوان است. مثلاً «شفا» به عربی یا دانش‌نامه علائی به فارسی از آثار صرفاً فلسفی ابن‌سیناست. ولی شاهنامه فردوسی یا خمسه نظامی یا منظومه‌های عطار یا مثنوی مولوی و امثالهم که آثار صرفاً فلسفی نیست، از افکار فلسفی فراوانی انباشته است که نمی‌تواند مورد بررسی پژوهندگان تفکر فلسفی در ایران قرار نگیرد. بخش عمده و شکنده آثار فلسفی و منطقی پس از اسلام در کشور ما به زبان عربی که زبان علمی بود نگاشته شده است. زبان عربی در اثر غناء لغوی و اصطلاحی شگرفی که بر اثر مقدار انبوه ترجمه‌ها یافته بود و در نتیجه انتشار وسیع آن در بلاد اسلامی به افزار نیرومند ارتباط فکری و پیوند علمی بدل شد. به همین جهت آموختن زبان عربی و درک آثار فلسفی به این زبان برای پژوهنده فلسفه ایران امریست بدیهی و ناگزیر. از طرف دیگر ترجمه کامل یا ملخص متون عربی فلاسفه ایرانی و عرب به زبان فارسی کاریست ضرور و سودمند. در این مورد کارهایی شده است ولی هنوز به هیچ وجه کافی نیست.

مجموعه آثار گروه نخست را می‌توان به سه دسته زیرین تقسیم کرد:

دسته اول: آثار به زبان اوستائی و پهلوی که معرف جریانات ایده‌تولوژیک قبل از اسلام است مانند «اوستا و خرده اوستا»، «زند و پازند»، «بندشمن»، «دینکرت»، «مینوگ خرت»، «شکند گمانی و بیچار» و یک سلسله اندرزنامه‌ها مانند اندرزنامه‌های اوشنر دانا، زرتشت، آذریاد مارسپندان، بزرگمهر، خسرو کواتان و غیره و غیره. بعضی از این آثار مانند متن کامل اوستا و یا کتاب عظیم دینکرت دائرة المعارفی است که باید برای بررسی آن‌ها هنوز کار زیادی انجام گیرد. بررسی آثاری مانند «شاهنامه» و «گرشاسب‌نامه» و «ویس و رامین» و «کلیله و دمنه» که گرچه به فارسی دری است ولی ترجمه‌هایست که گاه مستقیم و گاه از طریق عربی از روی آثار پهلوی انجام گرفته برای روشن کردن محیط فکری دوران پیش از اسلام مفید است و به علاوه متضمن نکات ایده‌تولوژیک فراوانی است، به ویژه آن نکاتی که رواج و تداول زیادی پیدا کرده بود.

برای بررسی جریانات ایده‌تولوژیک این دوران طبیعی است که مطالعه آثار مؤلفین غیر ایرانی (ارمنی، گرجی، یونانی، رومی، سریانی، هندی و گاه چینی) درباره ایران همزمان آن‌ها ضرور است. مثلاً یکی از فلاسفه مکتب آتن که در دوران خسرو انوشیروان به ایران آمد و «پریسکیانوس» نام داشت رساله‌ای نگاشت تحت عنوان «حل آن مسائلی که خسرو شاه ایران درباره آن تردیدهایی دارد». متن لاتینی این رساله در دست است. روشن است که چنین رساله‌ای چه اندازه می‌تواند برای روشن کردن نحوه بحث‌های فلسفی دوران خسرو اول

ساسانی سودمند باشد.

دسته دوم: آثار صرفاً فلسفی که به زبان تازی یا پارسی در الهیات و طبیعیات و نفسانیات و سیاست مدن و منطق و اخلاق به وسیله فلاسفه ایرانی نگاشته شده است. ما انبوه کتب مذهبی، فقهی، اصولی، کلامی و غیره را در این جا کنار می گذاریم، چون این رشته ایست جداگانه و مستقل و مقصد ما تنها آن کتبی است که به سیر تفکر فلسفی و بحث در عام ترین مسائل، اختصاص یافته است. از این قبیل است «ادب الکبیر» و «ادب الصغیر» از ابن مقفع و «فصوص الحکم» و «رساله فی مبادی آراء اهل المدینه فاضله» فارابی و «شفا» و «نجات» و «الاشارات و التنبیها» و «منطق المشرقین» و «دانشنامه علاسی» از ابن سینا و «تهافت الفلاسفه» و «المنقذ من الضلال» و «مقاصد الفلاسفه» و «کیمیای سعادت» ابو حامد محمد غزالی طوسی و «مراتب الوجود» فیلسوف آذربایجانی و شاگرد ابن سینا ابوالحسن بن مرزبان بهمنیار و «حکمة الاشراق» و «مجموعه فی حکمة اللهیه» شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی و «صوان الحکمه» ابو سلیمان منطقی سجستانی و «کتاب الامتاع و الموانسه» و «مقابسات» ابو حیان توحیدی شاگرد سجستانی و «خلاصه الوفا فی اختصار رسائل اخوان الصفا» و «جاودان خرد» و «طهارة الاعراق» ابوعلی مسکویه و «جامع الحکمتین» و «زاد المسافرین» ناصر خسرو و «شرح اشارات» و «الملخص» و «مباحث المشرقیه» و «تعجیز الفلاسفه» فخر رازی و «شرح اشارات» و «اخلاق ناصری» خواجه نصیر و رسالات فلسفی افضل الدین کاشانی و «دره التاج» قطب الدین شیرازی و «قبسات» میرداماد و «اسفار الاربعه» ملاصدرا و «گوهر مراد» عبدالرزاق لاهیجی و «منظومه» حاج ملاهادی سبزواری و «تحقیق الحریکه فی الجوهر» میرزا جلوه و آثار متفکرین اخیر مانند طالبف، میرزا آقاخان کرمانی، سید جمال الدین اسدآبادی، متفکر آذربایجانی آخوندف که آثار زیادی به فارسی دارد و در مسیر تفکر ایرانی مؤثر بوده است و نوشته های شیخ محمد خیابانی و کسروی و ارانی و دیگران.

آنچه که از آثار متفکران ایرانی از زرتشت تا ارانی نام بردیم تنها گوشه ای از این آثار است. شاید روزی بزسد که کلیات آثار این مؤلفین به تفصیل یا تلخیص به فارسی ترجمه و در مجلّات منظم با شروح و حواشی لازمه طبع شود و مسیر تکامل مقولات، احکام و جریانات فکری در فلسفه ایرانی روشن تر از آن شود که اکنون چنان است.

دسته سوم: آثار ادبی - فلسفی که به نظم یا نثر در زبان پارسی نگاشته شده و متضمن مسائل عرفانی یا حکمت عملی (سیاست، اخلاق و غیره) است مانند منظومه های عرفانی عطار و سنائی و مولوی و شبستری و رباعیات و غزلیات فلسفی و آزاد اندیشانه خیام و حافظ و آثاری که متضمن مسائل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی است مانند مرزبان نامه و قابوس نامه و سیاست نامه و نوشته های منظوم و منثور شیخ مصلح الدین سعدی و نوشته های انتقادی عبید زاکانی. به همین ترتیب در منظومه های گران قدر فردوسی و نظامی افکار فلسفی فراوانی بیان شده است. و نیز روشن است که در کتب مؤلفانی مانند طبری، مسعودی، ثعالبی، ابن ندیم، یعقوبی، تاریخ های بیهقی، بلعمی، چهار مقاله عروضی، سیاست نامه، قابوس نامه، روضة الصفا حبیب السیر، عالم آراء، ناسخ التواریخ و غیره نیز می توان اطلاعات فراوانی درباره حیات معنوی در ایران به دست آورد.

گروه دوم: آنچه که در قرون وسطی مؤلفین عرب و ایرانی نگاشته‌اند

تعداد کتبی که مؤلفین عرب و ایرانی در قرون وسطی درباره فرهنگ ایران نگاشته‌اند و در خورد مراجعه است اندک نیست. علاوه بر تاریخ فلسفه و ایده‌تولوژی، آثار متعددی درباره تاریخ سیاسی و جغرافیا و ادب و علوم در دوران پس از اسلام نگاشته شده که مطالعه آن‌ها برای روشن کردن مختصات عصر ضروریست. منظور ما در این جا همه این کتب نیست. منظور آن دسته از کتب محدودی است که به طور اخص درباره فلاسفه و جریان‌های ایده‌تولوژیک به ویژه بین قرن‌های چهارم تا ششم هجری از جانب عده‌ای از مؤلفین عرب و ایرانی تألیف شده و مهم‌ترین و مفیدترین آن‌ها که متأسفانه به جز یکی همه به عربی است عبارت است از: «صوان الحکمه» ابوسلیمان منطقی سجستانی و «تتمه صوان الحکمه» (موسوم به «درة الاخبار و لمعه الانوار») به فارسی تألیف علی بن زید بیهقی و «مقاسبات» تألیف ابوحنان توحیدی شاگرد ابو سلیمان منطقی و از نویسندگان فصیح و تیز هوش عرب و «اخبار العلماء باخبار الحکماء» تألیف وزیر جمال الدین ابوالحسن بن القاضی الاشرف معروف به قفطی (از مردم شهر قفط از شهرهای مصر) و «تاریخ الحکماء» تألیف شهرزوری و «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» تألیف ابن ابی اصیبعه و «ملل و نحل» شهرستانی و «الفرق بین الفرق» ابومنصور اشعری بغدادی و «الخطط المقریزیه» تألیف تقی الدین احمد بن علی بن عبدالقادر محمد معروف به مقریزی (از مردم شهر مقارزه واقع در بعلبک) و «النهرست» تألیف ابوالفرج محمد بن اسحاق بن ندیم الوراق و «وفیات الاعیان» تألیف ابن خلکان و «معجم الادباء» تألیف یاقوت حموی و «الانساب» تألیف تاج الاسلام قاضی ابوسعید محمد سمعانی و «مرّوج الذهب» و «التنبیه والاشراف» مسعودی و غیره.

همه این کتب در تاریخ فلسفه نیست و برخی از آن‌ها تنها بنا به علل و مناسباتی متضمن نام فلاسفه و آثار آن‌هاست ولی همه این کتب را باید جزء منابع ضرور تحقیق در تاریخ تفکر فلسفی و اجتماعی به ویژه در دوران پس از اسلام شمرد. باید دانست که حتی مؤلفین کتبی که صرفاً قصد بیان تاریخ فلسفه داشته‌اند غالباً به ذکر شرح زندگی (آن هم مجمل و گاه مفلوط) و بیان برخی سخنان حکیمانه و شمارش بعضی آثار اکتفا ورزیده‌اند ولی به هر جهت این آثار به علت قرب زمانی متضمن یک رشته اطلاعات درباره فلاسفه پس از اسلام است که پژوهنده مجهز به اسلوب صحیح تحقیق می‌تواند از آن اطلاعات، به موقع و به جای خود استفاده‌های فراوان ببرد. بسیار به جا خواهد بود اگر ملخصی از این کتب یا منتخباتی از آنچه که برای ایرانیان ضروریست به پارسی ترجمه می‌گردید تا کار پژوهندگانی که عربی نمی‌دانند تسهیل می‌شد.

گروه سوم: آنچه که مؤلفین باختری درباره فلسفه ایران نوشته‌اند

در این جا منظور نگارنده از تألیفات مؤلفین باختری درباره فلسفه ماکلیه آثاری نیست که در قرون وسطی و جدید در ترجمه و تشریح و تبیین آثار فلاسفه و علماء ما به ویژه فارابی،

ابن سینا، رازی، بیرونی، غزالی و دیگران نوشته شده است زیرا تعداد این کتب که بسیاری از آن‌ها به زبان لاتین است از صدها متجاوز است و نیز منظور، رسالات و مقالاتی نیست که در زمینه فلسفه ایران در اروپا و امریکا به طبع رسیده و در میان آن‌ها گاه پژوهش‌های عمیقی وجود دارد، بلکه منظور يك سلسله آثار اساسی محققین اروپائی است که طی آن‌ها کوشش شده است فلسفه و تفکر اجتماعی ایران در یکی یا همه ادوار، در وجود يك یا چند تن از نمایندگانش تشریح شود. این آثار را می‌توان جزء کتبی دانست که پژوهنده باید ضرورتاً بدان‌ها مراجعه نماید. از میان آن‌ها بدون رعایت نظم خاص و بر حسب مثال برخی را ذکر می‌کنیم. از آن جمله است کتاب ذی‌قیمت «تاریخ فلسفه در اسلام» تألیف دبر^۱ که زمانی آن را آقای عباس شوقی به فارسی ترجمه کرد ولی بهتر است ترجمه این کتاب تجدید شود. و کتاب «فلسفه در اسلام» تألیف هرتن^۲ و کتاب «الغزالی» و دیگر آثار تحقیقی بارون کاررادووی^۳ یکی از پژوهندگان مطلع و دقیق فرانسوی در رشته فلسفه شرق و نیز کلیه تألیفات مادام گواشن^۴ مانند «ماهیت وجود» و «فرهنگ فلسفی ابن سینا» و غیره که در دنیف بهترین و دقیق‌ترین آثار تحقیقی درباره فلسفه ابن سیناست و آثار متعدد دلیسی الیری^۵ مؤلف تحقیقات پر ارزشی درباره فلسفه و کلام کشورهای خلافت و تأثیر علوم یونانی در این فلسفه و مقام تفکر فلسفی «عرب» در تاریخ که یکی از این آثار را آقای احمد آرام به نام «انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی» ترجمه کرده است، و تألیفات کریمسکی^۶ و هارولد نیکلسن^۷ و هانری کرین درباره تصوف (و از آن جمله حکمت اشراق سهروردی و عرفان جلال الدین مولوی) و نوشته‌های ارنست رنان^۸ درباره فلسفه ابن رشد (آورونیسیم) و تحقیقات گلدتسیهر^۹ درباره اسلام و صوفیگری و فلسفه غزالی و پژوهش‌های کمن^{۱۰} و آرتور کریستنسن دانمارکی و اتاکار کلیما درباره مانیگری و مزدکی‌گری و آثار مریس بوژ^{۱۱} درباره فلسفه ابن رشد و غزالی و کتاب مؤلف معاصر آلمان هرمان لی^{۱۲} درباره تاریخ ماتریالیسم در قرون وسطی و نیز پژوهش‌های لونی ماسینسون^{۱۳} و ماکسیم ردنسن^{۱۴} درباره جریانات ایده‌تولوژیک قرون وسطائی ما و غیره و غیره. در ردیف منابعی که در آن اطلاعات وسیع درباره آثار و مواضع فلسفه ما ذکر شده است باید از دائرة المعارف دو جلدی «اسلامی» اثر کرائوس^{۱۵} و پینه^{۱۶} و کتاب «مدخل کتاب‌شناسی برای بررسی فلسفه عرب» اثر بخنسکی^{۱۷} چاپ برن سال ۱۹۴۸ و «کتاب‌شناسی مختصر درباره فلسفه عرب در جهان»^{۱۸} و کتاب «آثار مربوط به فلسفه عرب منتشره در باختر مسیحی از ۱۸۱۰ تا ۱۸۸۵» نام برد.^{۱۹}

1: T.G. de Boer. 2: M. Herten 3: Baron Carra de Vaux.

4: Dr. A. M. Goichon. 5: De Lacy a Leary. 6: A. E. Krimsky.

7: E. Renan. 8: Goldzieher. 9: Kommon.

10: P. M. Bouyges. 11: H. Ley. 12: L. Massignon.

13: M. Rodinson 14: Kraus. 15: Pinet.

16: Bibliografische Einführung in das Studium der Arabischen Philosphie.

17: Bochensky.

18: A Brief Bibliography of Arabic Philosophy in Moslem World ۱۹۴۲ سال نیویورک

19: Bibliographie des Ouvrages arabes ou relatifs aux arabes, publiés dans l'Europe chrétienne de 1810 a 1885 (چاپ لیز ۱۹۲۲)

در اتحاد شوروی که در آن برخی از جمهوری‌ها مانند جمهوری‌های شوروی آذربایجان و تاجیکستان و ازبکستان از شرکاء این یا آن بخش از ارثیه فرهنگی مشترک با ما در این یا آن دوران از تاریخند تلاش وسیعی برای تنظیم این فرهنگ در کار انجام گرفتن است و درباره اوستای زرتشت و ابن سینا و بهمنیار و ناصر خسرو و نظامی و بسیاری آثار و رجال دیگر پژوهش‌های با ارزش انجام گرفته است و از آن جمله و به ویژه باید از کتاب پرفسور ماکولسکی درباره «اوستا» و کتاب کوچک ولی با ارزش دانشمند جوان اندره برتلس درباره ناصر خسرو و آثار محققانه پرفسور پیگولوسکایا، دیاکونوف، پطروشوسکی، براگینسکی، زاخودر و دیگران نام برد. تحقیقات دانشمندان ارمنی و گرجی نیز تا حد معتابعی به روشن کردن بخش‌هایی از حیات ایده‌تولوژیک جامعه ما کمک می‌کند.

گروه چهارم: آنچه مؤلفین معاصر ایران و عرب نوشته‌اند

در کشور ما و همچنین در کشورهای عربی (به ویژه مصر و سوریه و عراق) نیز پژوهندگان به تدوین و تنظیم آثار فلسفی همت گماشته‌اند، متون انتقادی نشر می‌یابد، ویژه‌نامه‌ها، مقالات و رسالات تحقیقی درباره اشخاص و جریانات فکری نوشته می‌شود. مؤلفین عرب برای انتشار تاریخ‌های جامع فلسفه نیز کوشیده‌اند. از میان مؤلفین معاصر عرب به عنوان مثال می‌توان از محمد لطفی جمعه مصنف «تاریخ فلاسفه الاسلام فی المشرق والمغرب» و ابراهیم حسن مصنف «تاریخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعي» و دکتر احمد امین مصنف «ضحی الاسلام و فجر الاسلام» و «بندلی جوزی» مؤلف کتاب «من تاریخ الحركات الفكرية فی الاسلام» و جمیل صلیبا مؤلف آثاری درباره ابن سینا و دکتر طه حسین و جرجی زیدان که درباره جریانات ایده‌تولوژیک تألیفاتی دارند نام برد. مؤلفین ایرانی مانند پورداود (حواشی گات‌ها و یشت‌ها)، قزوینی (بیست مقاله درباره صوان الحکمه)، همائی (غزالی نامه)، دکتر گوهرین (حجة الحق ابوعلی سینا)، دکتر غنی (تاریخ تصوف)، دکتر صفا (تاریخ علوم عقلی)، مدرس چهاردهی (تاریخ فلسفه در اسلام)، دکتر سید حسن نصر (نظر متفکران ایرانی درباره طبیعت)، فروزانفر (درباره تحلیل و نقد عطار و یک رشته کتب درباره مولوی)، مشکوة الدینی (نظری به فلسفه صدرالدین شیرازی)، مهدی قمشه‌ای (حکمت الهی عام و خاص)، سید احمد صفائی (علم کلام)، مدرس رضوی (خواجه نصیرالدین طوسی)، دکتر نجم‌آبادی (مؤلفات و مصنفات رازی)، دکتر سید جعفر سجادی (فرهنگ علوم عقلی)، دکتر احمد علی رجائی (فرهنگ مصطلحات صوفیه در دیوان حافظ) یک رشته آثار درباره سیر جهان‌بینی‌ها در ایران ایجاد کرده‌اند. علاوه بر نام‌برندگان عده‌ای از پژوهندگان معاصر کشور ما مانند دکتر ارانی، دهخدا، دکتر سیاسی، فروزانفر، دکتر محمود هومن، دکتر صدیق، صادق هدایت، فاضل تونی، محمد شاهرودی، دکتر صدیقی، فروغی، اکبر دانا سرشت، احمد کسروی، منوچهر بزرگمهر، عبدالحسین زرین کوب، محمد تقی دانش‌پژوه، راشد، دشتی و جمعی دیگر در یک رشته کتب و مقالات، مسائل مربوط به تاریخ تفکر فلسفی و جریانات فکری در ایران را مطرح کرده‌اند و مطالب جالب و ذی‌قیمت فراوانی بیان داشته‌اند.

به علاوه به مناسبت هزارهٔ ابن سینا و هفتصدمین سال خواجه نصیر جشن نامه‌ها و یادنامه‌هایی
نشر یافته است.

ذکر این فهرست‌های بسیار بسیار ناقص و کاملاً نامنظم از منابع چهارگانهٔ پژوهش فلسفهٔ
ایران تنها برای آن است که محققین تصویری از پهنهٔ تحقیق داشته باشند و به‌ویژه آن کس که
در این عرصه برای نخستین بار گام می‌گذارد بداند که وی تنها با هضم عمیق‌بهترین
دست‌آوردهای تعمیمی و تحلیلی دیگر پژوهندگان و با اتکاء کامل به متون اصلی می‌تواند ادامه
دهندهٔ درخورد محققین پیش از خود باشد و کار را سهل‌نگیرد و از راه آسان‌نرود و به نتایج
سطحی و شتاب‌زده دل‌خوش نشود.